

متن پرسش

با سلام: چندی پیش سوالی در رابطه با منشا و علت یابی خطای انسان و انجام دادن بعضی اعمال که گناه شمرده می شود پرسیده شد که بدین شرح است: سوال شما پاسخ داده شد: سوال شما: با سلام: انسان ناقص آفریده شده پس اجبارا خطا می کند و در نهایت به صورت گناه ظاهر می شود. وقتی علت را جويا می شوی انسان را مقصر می کنند. این حرف زمانی صحیح است که من همه چیزم یا درصدی از وجودم از خودم باشد من که جسم از خداست، روحم از خداست و حتی ابعاد دیگر از وجودم که از آن بی اطلاعم از خداست حتی بی اطلاعی من از خداست، پیچیدگی های من از خداست و کل کار های من اعم از ثواب و گناه با خط کد خداست همه وجودم با عامل های محیطی و محاطی در ارتباط است. آقا اصلا برای چه من باید گناه کنم من دلم نمی خواهد گناه کنم من دوست دارم دائما ثواب کنم از پیامبر بهتر باشم از خدا جلوتر روم و موجوداتی بیافرینم که هیچ عیب و نقصی نداشته باشد. براستی خدا از عمد انسان را ناقص آفرید. اگر کامل می آفرید باید چگونه می بود، مثل پیامبر یا مثل خود حق تعالی می بینید به چه سوالات بر می خوریم به هر حال سوال من پیرامون گناه ماست و ریشه یابی آن و بر طرف کردن این کشمش ها تا ابدیت است رسیدن به جواب این سوال مثل دست یافتن به بزرگترین اصرار عالم است در این صورت. پاسخ: باسمه تعالی: سلام علیکم: پیشنهاد بنده آن است که برای جوابگویی به سوالاتتان ابتدا کتاب «آشتی با خدا» و سپس کتاب «ده نکته در معرفت نفس» را تا آخر مطالعه فرمایید. موفق باشید به هر حال من این دو کتاب را خواندم ولی جوابم را پیدا نکردم. توجه داشته باشید جواب من یک کلمه و یا یک اسم است نه یک کتاب این گونه کتاب ها برای انسان های مستعد خودش است و اگر همه انسان ها مستعد بودند دیگر نیازی به کتاب هم نبود مثل خود پیامبر اینگونه کتابها برای کسانی است به راحتی تسلیم حق می شوند نه کسانی مثل یزید و... در واقع جواب را در آفرینش می توان دنبال کرد و اینکه خداوند در مقام کن فیکون که کل نظام هستی را در خارج از زمان برنامه ریزی کرده چه هدفی را دنبال کرده اینکه دائما انسان را دعوت کنیم و نتیجه نگریم کاری از پیش برده نمی شود بنابراین پیش گیری بهتر از درمان است و انسان از صفر و اول و مبدا باید خوب و پاک باشد مگر اینکه در آفرینش ضعفی در کار باشد یا عمدی در کار باشد (اشاره به تعداد شماره های اسم اعظم) آخر مگر می شود مسئله به این مهمی مباحثه و جواب قاطع نداشته باشد یعنی اسلام با این همه شهرت نتوانسته به این سوال که منشا تمام درد سر ها و نفاق هاست پاسخ شفاف بدهد؟ اگر این مسئله درمان نگردد هزاران هزار پیامبر هم نمی توانند بشریت را در این کره خاکی به راه بیاورند. بنابراین مسئله باید از بیخ و بن و بالا یعنی اراده خداوند

حل گردد نه از پایین و در مقام انزال که یا نیرویی نیست یا کم است حال اگر این نیرو بقدری ضعیف باشد که لحظه ای به فکر حرکت نباشد آن موقع چه پیشنهادی است، برآستی علت کیست و چیست که خود را پنهان کرده (جواب سوال بطور ریشه دار برای ریشه یابی رصد می شود)

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: انسان در ذات خود مختار است و حضرت حق تنها هادی انسان است. حال این انسان است که: «إِذَا شَاكَرًا وَّ إِذَا كَفُورًا» می باشد. و در این رابطه پیامبران موفق بوده اند تا هدایت الهی را در معرض دید آنهایی که طالب هدایت الهی بوده اند، قرار دهند. موفق باشید